

# حافظ کوچک

جستاری در غزلیات

بابا فغانی شیرازی و حافظ

تألیف: معصومه قاسمی

انتشارات نوین پویا

|                     |                                                                                                            |
|---------------------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : قاسمی، معصومه، ۱۳۴۷-                                                                                     |
| عنوان و نام پدیدآور | : حافظ کوچک: جستاری در غزلیات بابا فغانی شیرازی و حافظ                                                     |
| مشخصات نشر          | : چاپکسر: نوین پویا، ۱۳۹۴.                                                                                 |
| مشخصات ظاهری        | : ۷۴ ص.                                                                                                    |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۳-۱۱-۹                                                                                        |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیپای مختصر                                                                                              |
| یادداشت             | : فهرستنویسی کامل این اثر در نشانی: <a href="http://opac.nlai.ir">http://opac.nlai.ir</a> قابل دسترسی است. |
| یادداشت             | : کتابنامه: ص. ۷۴-۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.                                                              |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۳۸۵۴۵۷۵                                                                                                  |

انتشارات نوین پویا

حافظ کوچک:

تألیف: معصومه قاسمی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

تیراژ: ۱۰۰۰

تایپ و صفحه آرایی: پارسا قلم

چاپ و صحافی: چاپ دیجیتال پارسا قلم

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۷۴۳-۱۱-۹

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

\*\*\*\*\*

مرکز پخش: تهران: انتشارات نوین پویا ۰۹۱۳۳۸۰۱۳۱۸-۶۶۹۵۱۲۴۱

تنکابن: زیانسرای پویا (انتشارات نوین پویا) ۰۱۱۵۴۲۳۱۲۳۱-۰۱۱۵۴۲۳۶۵۱۱

فروش اینترنتی: [www.ketab.ir/novinpooya](http://www.ketab.ir/novinpooya)

Email: [novinpp@yahoo.com](mailto:novinpp@yahoo.com)

حق چاپ برای ناشر و مولف محفوظ است

|    |                                                     |
|----|-----------------------------------------------------|
| ۱  | مقدمه                                               |
| ۱۷ | بابافغانی کیست؟                                     |
| ۱۹ | تأثیر اوضاع سیاسی ایران بر شعر قرن هفتم تا قرن دهم: |
| ۲۲ | وقوع‌گویی و مبدعان مکتب وقوع                        |
| ۲۴ | واضعان مکتب وقوع                                    |
| ۲۵ | تأثیر بابافغانی بر آیندگان                          |
| ۲۶ | سبک (طرز) شعری بابافغانی                            |
| ۲۸ | موتیف‌ها (سنت‌های شعری)، عناصر سازنده شعر           |
| ۳۱ | عناصر سازمان دهنده شعر بابا فغانی                   |
| ۳۲ | نگاهی کوتاه به برخی از موتیف‌های خاص فغانی:         |
| ۴۰ | فغانی و عرفان:                                      |
| ۴۱ | رند شیراز                                           |
| ۴۴ | تعاریف لغوی و اصطلاحی استقبال:                      |
| ۴۴ | اهمیت استقبال:                                      |
| ۴۷ | ۱- شباهت در اوزان و بحور                            |
| ۵۰ | ۲- اقتفا و استقبال در شعر فغانی                     |
| ۵۷ | ۳- شباهت‌ها در مضامین و ترکیبات:                    |
| ۶۷ | تک مصراع‌ها                                         |
| ۷۰ | منابع و مأخذ:                                       |

ما چو ناییم و نوا در ما ز توست  
 ما چو کوهیم و صدا در ما ز توست  
 ماچو چنگیم و تو زخمه می زنی  
 زاری از مانی تو زاری می کنی...  
 گر خطا گفتیم اصلاحش تو کن  
 مصلحتی تو ای تو سلطان سخن  
 کیمیاداری که تبدیلیش کنی  
 گرچه جوی خون بود نیلش کنی  
 این چنین میناگری ها کار توست  
 این چنین اکسیرها ز اسرار توست...  
 ای خدا جان را تو بنما آن مقام  
 که در و بی حرف می روید کلام

بوستان همیشه سبز زبان و ادب فارسی در دامن خود گل های زیبایی  
 را پرورده است که آوازه ی رنگ و بوی شان شرق و غرب گیتی را در  
 نوردیده و شمیم روح پرور این ریاحین همیشه سبز مشام جان لطیف  
 طبعان عالم را نواخته است.

گل های دل نواز این باغ هر کدام با رنگ و بویی خاص در گوشه ای از  
 این گلستان در طی قرن ها سر از خاک به در آورده و به هوش ربایی  
 وجلوه گیری پرداخته اند؛ چنان که هر گاه قدم به این بوستان بزرگ  
 می گذاریم بوی گل چنان مستمان می کند که دامن از کف می دهیم.

در این میان عالی مقامانی چون سعدی، حافظ، مولانا، نظامی، خاقانی و دیگر بزرگان ادب پارسی بیش از همه به جلوه‌گری پرداخته‌اند و به جرأت می‌توان گفت که آب و گل اینان از بستان سرای بهشت است و گویا از باغ آسمان به سرای خاکی فرود آمده‌اند؛ لیکن گل‌های روح‌پرور دیگری در این باغ هست که پیک صبا با وجود تردد دائم در کوچه و پس‌کوچه‌های این گلشن کم لطفی نموده و بویی از آستانشان برایمان به ارمغان نیاورده است.

بی‌هیچ شکی از زیباترین گل‌های این گلستان «بابا فغانی شیرازی» است که دست روزگار او را در گوشه‌ای خلوت و دور از اغیار کاشته است. این گل روح نواز آتشین دم با آن روح حساس و لطیف آن‌چنان مورد بی‌مهری معاصرانش قرار گرفته است که تأثر و تأسف آمیخته به خشمی خفته و خاموش را در دل و جان آدمی بر می‌انگیزد.

بررسی ریشه‌های این بی‌توجهی اگر چه آسان نیست اما به طور مختصر می‌توان گفت که عامل عمده‌ای این بی‌مهری از دوران خود فغانی شروع می‌شود و آن را باید در اوضاع شعری دوران او جست‌وجو کرد.

از اوایل قرن نهم در شیوه‌ی سخن‌پردازی تغییراتی حاصل شد، باریک‌خیالی و مضمون‌یابی در اشعار باب شد و فغانی از پیشگامان این تغییر و تحول بود. ذهن‌هایی که به استعارات و تشبیهات و سنت‌های شعری گذشتگان خوگر شده بود، این همه دقت در مضمون‌یابی و نازک‌اندیشی را-هرچند فغانی مضمون‌یابی در حد اعتدال است- بر نمی‌تافت به خصوص آن که آن زبان متکلف و مصنوع جای خو را به سادگی عبارت و تا حدودی زبان عامیانه داده بود.

بابا فغانی، شاعری است که با در هم شکستن سنت‌های زنجیر گونه‌ای که مدت‌ها بر دست و پای شعر سنگینی می‌کرد و تا حدودی آن را به ابتذال کشانده بود، راه تازه‌ای در پیش روی آیندگان گشود، راهی که آغاز آن با دشواری‌ها و سختی‌های طاقت سوز همراه بود و کم‌ترین تاوان پرداختن به طرز نو، این بود تا مدت‌ها اشعار سست و ضعیف را «فغانیانه» می‌گفتند. این عدم مقبولیت خاصه در میان شعرای خراسان برای شاعر حساس و لطیف طبیعی چون او کم دردی نبود و او را به سوز و شوری عجب وا می‌داشت.

شاید مهم‌ترین عامل عدم مقبولیت او را در آغاز کار، باید در عدم شناخت سنت‌های شعری دانست که فغانی آن را ابداع نموده یا در آن پرورش یافته بوده است چرا که به گفته‌ی استاد بزرگ جناب آقای دکتر شفیعی کدکنی «لذت بردن از شعر هر شاعر صاحب سبکی بستگی تام به میزان شناخت سنت‌های ادبی دارد که او در آن پرورش یافته است».<sup>۱</sup> و ناگفته پیداست که سنت‌های شعری که فغانی در آن پرورده شده تا چه اندازه با شعر خراسانی غرابت دارد.

اگر چه فغانی در طرز و اسلوب شاعری پیروی از شاعران عراقی و بخصوص «حافظ» را از دست نمی‌گذارد اما مضمون یابی، سادگی و روانی لفظ و نزدیک شدن به زبان محاوره از ویژگی‌های شعر اوست که شعرای

۱. محمدرضا شفیعی کدکنی، شاعر آینه‌ها، بررسی سبک هندی و شعر بیدل، تهران انتشارات آگاه.

خراسان آن را بر نمی‌تابند. اما چرا؟ شاید جواب این سوال را باید از زبان زنده یاد، استاد دکتر عبدالحسین زرین‌کوب بشنویم.

«شناخت سره و ناسره آثار بزرگ ادبی مستلزم شناخت درست و دقیق آن است و شناخت آثار ادبی باید از روی خبرت و بصیرت و به قول مایته آرنولد «عاری از شائبه‌ی اغراض و منافع باشد»<sup>۱</sup>

باید دید که اشعار بابا فغانی از دیدگاه شاعران خراسان حقیقتاً از روی معرفت و بصیرت و به دور از شائبه‌ی اغراض مورد نقد قرار گرفته است؟ به نظر می‌رسد زندگی پر فراز و نشیب فغانی و آن اتفاق نظر همگان درباره‌ی می‌خوارگی بابا د راوایل عمر در قضاوت شاعران بی‌تأثیر نبوده است. لیکن اکثریت قریب به اتفاق شاعران پس از او درباره‌ی لطافت غزل‌های فغانی متفق القولند. صائب او را مقتدای خود می‌داند و در بیت مشهور «از آتشین دمان به فغانی کن اقتدا / صائب اگر تتبع دیوان کس کنی» او را آتشین دم خوانده است.

«فغانی شیرازی از معدود شاعرانی است که قضاوت اغلب منتقدان و شاعران درباره‌ی او یک سویه است. کمتر منتقدی را می‌توان یافت که در تذکره یا در خلال مباحث انتقادی، زبان را خصمانه و یاجانبدارانه به ستایش فغانی نگشوده باشد. به تعبیری ساده، گویا قضاوت درباره‌ی بابا فغانی حد وسط ندارد. شاعران و سخنوران پس از او یا او را می‌ستایند و

<sup>۱</sup> دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، آشنایی با نقد ادبی، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۷۴، صص ۳۱-۳۲.

یا او را و شعرش را خوار می‌شمردند این نوع نگرش به فغانی باعث شده است که او رادر کانون ادبی روزگارش فردی مؤثر بدانیم»<sup>۱</sup>

«زیرا اگر شاعران نامدار دو سبک عراقی و هندی (شاخه‌ی ایرانی) را به ترتیب حافظ و صائب در نظر بگیریم بابا فغانی را در نسبت با هر کدام بهتر می‌توان شناخت و عیار شعر او را دقیق‌تر می‌توان دریافت»<sup>۲</sup> به هر حال در این که او شاعری صاحب سبک است و تأثیری عمیق بر آیندگان گذاشته شکی نیست. شعر او به درستی مصداق «رستاخیز کلمات»<sup>۳</sup> در عصر ابتذال شعر و شاعری است. اگر بگوییم «شعر حادثه‌ای است که در زبان روی می‌دهد و در حقیقت، گوینده‌ی شعر، با شعر خود عملی انجام می‌دهد که خواننده میان زبان شعری او و زبان روزمره‌ی عادی تمایزی احساس می‌کند»<sup>۴</sup>، شعر بابا فغانی مصداق بارز آن است.

از طرفی «شناخت ارزش واقعی هر شعر لازمه‌اش عبارت است از شناخت جامعه‌ی که شعر برای آن به وجود آمده است؛ همچنین است مسأله روانشناسی و مطالعه در احوال نفسانی شاعر و مخاطبانش»<sup>۵</sup> این مقدمه صرفاً جهت معرفی بابا فغانی نیست؛ در صفحات آتی به او خواهیم پرداخت همچنان که از عنوان کتاب بر می‌آید او به «حافظ

۱. محمد حکیم آذر، طرز بابا فغانی، پژوهشنامه‌ی زبان و ادب فارسی (گهر گویا)، ۱۳۸۸، سال سوم.

شماره اول، پیاپی ۹، صفحه ۷۶

۲. همان، ۸۱.

۳. محمدرضا شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، تهران چاپ انتشارات آگاه، ۱۳۷۳، صفحه‌ی ۵.

۴. محمدرضا شفیعی کدکنی، صورخیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲، صفحه‌ی ۳.

۵. عبدالحسین زرین کوب، شعر بی دروغ شعر بی نقاب، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۲، ص ۲۷.

کوچک» معروف است. و ما در این مختصر برآنیم که اوضاع شعری و اجتماعی دوران فغانی را باز نماییم. همچنین به زندگی و افکار و صور خیال فغانی و نقد و قضاوت دیگر بزرگان شعر و ادب درباره‌ی او نگاهی بیندازیم و نیز از آن جا که او از نظر تاریخی هم دقیقاً بین حافظ و صائب قرار دارد و از این که او را «حافظ کوچک» لقب داده‌اند باید ارادتی تام به خواجه‌ی شیراز داشته باشد و حتماً بوی حافظ از شعر او به مشام می‌رسد اما چگونه و تا چه حد؟<sup>۱</sup>

آیا به راستی می‌توان برای حافظ بزرگ ثانی و ثالثی فرض کرد، اگر مدعی هستیم که حافظ قهرمان بلامناع عرصه‌ی غزل عاشقانه - عارفانه است، حافظ کوچک کیست؟

این سوالی است که پاسخ آن در تمام تذکره‌ها و کتاب‌های تاریخ ادبیات در یک جمله خلاصه شده است: «در شیوه‌ی سخنوری از حافظ پیروی کرده است» یا «او را به اعتبار شباهت شعرش به حافظ، حافظ کوچک لقب داده‌اند».<sup>۲</sup>

«نقادان گذشته با جرأت بیان کرده‌اند که بعد از خواجه حافظ تا ۱۵۰ سال غزل و غزل‌سرایی در حال وقفه بود... و تمام اهل تذکره معتقدند که آدم این دور جدید بابا فغانی است چنان که تمام مستأخرین مقلد فغانی می‌باشند».<sup>۳</sup> «با این حال گروهی او را نه صاحب سبک بلکه شعر او را،

۱. محمد حکیم آذر، طرز بابافغانی، پژوهشنامه‌ی زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، بهار ۱۳۸۸، ص ۸۱

۲. ذبیح‌اله صفا، تاریخ ادبیات در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۹، ۴، صفحه ۴۱۱

۳. محمد حکمی آذر، طرز بابافغانی، پژوهشنامه‌ی زبان و ادب فارسی (گوهر گویا)، بهار، ۱۳۸۸، صفحه

پیروی اغراق آمیز او از حافظ و تلاش برای پایه‌ریزی شیوه‌ای نو دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

در این مختصر سعی کرده‌ایم که اوضاع اجتماعی، وضعیت شعر و شاعری دوران فغانی را باز نماییم همچنین به زندگی و افکار و صور خیال فغانی و رابطه او با حافظ و میزان تأثیرپذیری وی از خواجه‌ی شیراز نگاهی بیندازیم. به سراغ سنت‌های ادبی شعر او و وجوه تشابه آن با شعر حافظ برویم و نیز نقد و قضاوت دیگر بزرگان شعر و ادب را درباره‌ی فغانی بشنویم.

نگارنده نیز ادعا نمی‌کند که دلیل نامگذاری فغانی به «حافظ کوچک» را به درستی می‌داند. اما در کندو کاوهایی که در دیوان اشعار این دو بزرگ- در صد غزل اول دیوان هر یک- نموده به شباهت‌های حیرت انگیزی در مضمون پردازی‌های شاعرانه‌ی حافظ و فغانی دست یافته است که بدون مقایسه‌ی شعر او با غزل‌های حافظ نمی‌توان وجه تسمیه‌ی «حافظ کوچک» را دریافت. هر چند چنان که پیش‌تر گفته شد گروهی فغانی را مقلدی بیش نمی‌دانند. این پایه کم لطفی به نظر ظلم عظیمی در حق بابا فغانی به نظر می‌رسد. در این مختصر به مقایسه صد غزل اول از دیوان حافظ و بابا فغانی از نظرگاه مضمون‌یابی، استقبال‌ها، استفاده از مفردات و ترکیبات خاص حافظ و فغانی و... بسنده شده است. که «آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی شاید چشید»

معصومه قاسمی، تابستان: ۹۴

۱. محمد نادر شریفی، بررسی تطبیقی مباحث حافظ و بابا فغانی، ادبیات و زبان‌ها، آذر ۱۳۸۴، ش ۳۱.